

RS

فساد

چالش بزرگ اوکراین

رسوایی فساد ۱۰۰ میلیون دلاری در سیستم انرژی اوکراین که هفته گذشته فاش شد، به دلیل همزمانی‌اش با شرایط دشوار مردم عادی، اهمیتی مضاعف دارد. روسیه روزانه زیرساخت‌های انرژی کشور را بمباران می‌کند تا شهروندان را در ماه‌های سرد و تاریک زمستان از گرما و برق محروم سازد.

در نوامبر ۲۰۲۴ نیز رسوایی جداگانه‌ای فاش شد؛ مبنی بر اینکه ۱/۶ میلیارد دلاری که برای ساخت پناهگاه‌های محافظ در اطراف پست‌های برق اختصاص یافته بود، منجر به ساخت هیچ پناهگاهی نشده است.

با در نظر گرفتن این موضوع، برخی معتقدند که رسانه‌ای شدن گسترده این فساد اخیر، که به استعفاي وزرای انرژی و دادگستری انجامید، نشانه‌ای آشکار از پیشرفت در مبارزه با فساد است. «اداره ملی مبارزه با فساد اوکراین» که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد و اغلب در خط مقدم چنین تحقیقاتی است، همچنان فعال است و این خود نشانه‌ای مثبت محسوب می‌شود.

با این حال، نمی‌توان ادعا کرد که فساد پدیده‌ای مختص زمان جنگ است. این رسوایی انرژی نیز یک مورد استثنایی نیست. در سپتامبر ۲۰۲۱، زمانی که دو سال و نیم از قدرت گرفتن رلنسکی می‌گذشت، «دیوان محاسبات اروپا» گزارش داد که فساد و «تسخیر دولت» همچنان در اوکراین گسترده است. این گزارش خاطرنشان کرد که «ده‌ها میلیارد یورو سالانه بر اثر فساد از دست می‌رود» و حمایت‌های ۲۰ ساله اتحادیه اروپا نتایج مطلوبی نداشته است.

از زمان تهاجم روسیه در سال ۲۰۲۲، صدها میلیارد دلار کمک به اوکراین سرآرز شده است؛ مبلغی که بسیار بیشتر از تولید ناخالص داخلی سالانه این کشور است. ایالات متحده نتوانسته سر نوشت میلیاردها دلاری را که به آنجا فرستاده، به‌دقت مشخص کند و هیچ کشوری نمی‌تواند با اطمینان بگوید که بودجه‌ایش به درستی هزینه شده است.

مقیاس هر رسوایی جدید، ظاهراً با گذشت زمان بزرگتر شده است. در آگوست ۲۰۲۳، رلنسکی تمام رؤسای دفاتر استخدام نظامی منطقه‌ای را به دلیل رشوه‌خواری گسترده برکنار کرد. در سپتامبر ۲۰۲۳، وزیر دفاع در پی رسوایی مربوط به خرید جلیقه‌های ضدگلوله با چند برابر قیمت، استعفا داد. در ژانویه ۲۰۲۴، مقامات دفاعی به اتهام سرقت ۴۰ میلیون دلار مربوط به سفارش ۱۰۰ هزار گلوله توپخانه (که هرگز تحویل‌نشد) دستگیر شدند.

تا امروز، رلنسکی توانسته با اخراج یا پیگرد قانونی برخی افراد، اهداکنندگان غربی را راضی نگه دارد. اما آنچه امسال تغییر کرده این است که بازرسان اداره ملی مبارزه با فساد اوکراین به تدریج به حلقه داخلی او نزدیک‌تر می‌شوند.

در جولای امسال، زمانی که حلقه محاصره دور گردن الکسی چرنیشوف، متحد نزدیک رلنسکی، تنگ‌تر می‌شد، رلنسکی تلاشی ناموفق برای محدود کردن اداره ملی مبارزه با فساد اوکراین و تحت کنترل درآوردن آن انجام داد. چرنیشوف اکنون در رسوایی ۱۰۰ میلیون دلاری انرژی نیز دخیل است و کارآگاهان، انتقال حدود ۱/۳ میلیون دلار پول نقد به او را مستند کرده‌اند. در ۱۴ نوامبر، اداره ملی مبارزه با فساد اوکراین درخواست حکم بازداشت موقت برای او صادر کرد.

تیمور میندیش، سردی که در مرکز این رسوایی است، متحد نزدیک رلنسکی و هم‌بنیانگذار شرکت تلویزیونی «کوارتال ۹۵» است. او پیش از یورش مأموران (که در آن کیسه‌های پر از پول نقد و یک توالت طلا کشف شد) اجازه یافت از کشور فرار کند. این نکته از دید مفسران پنهان‌نمانده که در سال ۲۰۱۴، یانوکوویچ (رئیس جمهور برکنار شده) نیز به داشتن توالتی از جنس طلا متهم بود. این یادآور دیگری است که اگر از نمای دورتر بنگریم، در دهه گذشته تغییر چندانی در اوکراین رخ نداده است.

کمیسون اروپا در گزارش اخیر خود، ضمن اشاره به تعهد اوکراین به مسیر اتحادیه اروپا، ارزیابی خود را به درجه B تنزل داد و نسبت به پیشرفت در مبارزه با فساد ابراز نگرانی کرد. می‌ترسم این هم نمونه دیگری از سرپوش گذاشتن بر شکاف‌های مشکلی بسیار بزرگتر باشد.

ساختار قدرت در اوکراین، که در آن تعداد اندکی الیگارش نفوذ بیش از اندازه‌ای در سیاست و اقتصاد دارند، تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است. رلنسکی محصول همین سیستم است که گاه با الیگارش‌ها درگیر شده و گاه با آن‌ها همسو شده است. با توقف انتخابات، نظارت‌های قانونی بر قدرت او کمتر شده و اداره ملی مبارزه با فساد اوکراین هنوز آنقدر قدرتمند نیست که بتواند این سیستم را بشکند.



بین‌الملل INTERNATIONAL



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار بین‌الملل

برای دولتمردان و قانون‌گذاران پاکستانی، جنگ اخیر با هند به بهانه‌ای تبدیل شد تا طی کمتر از یک هفته در هیئت دولت، سنا و مجلس ملی، به لایحه‌ای رای موافق دهند که بر اساس آن، جایگاه رئیس ستاد ارتش از مقامی باید و مصونیتی مادام‌العمر به ژنرال عاصم منیر اعطا می‌شود.

الحاقیه بیست‌وهفتم قانون اساسی پاکستان روز پنجشنبه ۱۳ نوامبر با امضای آصف‌علی زرداری، رئیس‌جمهور این کشور به بخشی از قانون اساسی تبدیل شد. این الحاقیه که پس از تصویب از سوی هیئت دولت در روز شنبه ۸ نوامبر به قوه مقننه ارسال شده بود، روز دوشنبه ۱۰ نوامبر در مجلس سنا به تصویب رسید و سپس روز چهارشنبه ۱۲ نوامبر، اعضای مجلس ملی پاکستان به آن رای موافق دادند.

این الحاقیه، ضمن افزایش قابل توجه قدرت عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان، مصونیتی مادام‌العمر از بازداشت و پیگرد قضایی به او اعطا می‌کند. همچنین ساختار سیستم قضایی پاکستان و به‌ویژه دادگاهی عالی این کشور را به نحوی تغییر می‌دهد که امکان نظارت دستگاه قضایی بر دولت و بر نیروهای نظامی کاهش یابد.

نیروهای اپوزیسیون، قضات و کارشناسان مستقل تصویب الحاقیه بیست‌وهفتم را محکوم کرده و آن را «مقب‌گرد دموکراسی در پاکستان» و «حرکت در مسیر اقتدارگرایی» توصیف می‌کنند. یکی از انتقادات مهم آن‌ها، سرعت عجیب تصویب این الحاقیه و جلوگیری از به بحث گذاشته شدن آن نزد افکار عمومی پاکستان بود، در حالی که در موارد مشابه نظیر تصویب الحاقیه بیست‌وششم قانون اساسی پاکستان، این فرایند ماه‌ها به طول می‌انجامید و جامعه به‌طور جدی درگیر بحث درباره جزئیات الحاقیه قانون اساسی می‌شد.

► برهم خوردن توازن میان قدرت نظامیان و دولت منتخب

اصل ۲۴۳ قانون اساسی پاکستان اصلی است که بر اساس آن رابطه میان دولت بر خاسته از آرای مردم و نهادهای نظامی در این کشور تعریف می‌شود.

بازنگری جدید، این اصل را اصلاح می‌کند و با ایجاد پستی به نام «رئیس نیروهای دفاعی» (CDF) اختیارات عاصم منیر را گسترش می‌دهد. در اصلاحیه جدید، رئیس نیروهای دفاعی تسلط کاملی بر نیروهای هوایی و دریایی ارتش پاکستان پیدا می‌کند و پست رئیس کمیته ستاد مشترک (CJCS) حذف می‌شود.

در حال حاضر، پست ریاست کمیته ستاد مشترک در اختیار ارتشید ساهر شمشاد، ژنرال چهارستاره پاکستانی است که روز ۲۷ نوامبر مأموریتش به اتمام می‌رسد و بازنشست خواهد شد.

پیش از اصلاح قانون اساسی، فرمانده نیروی زمینی با عنوان رسمی رئیس ستاد ارتش، روی کاغذ جایگاه مشابهی با فرماندهان نیروهای هوایی و دریایی داشت و رئیس کمیته مشترک نقش هماهنگ‌کننده را میان آن‌ها ایفا می‌کرد. تغییرات جدید اما با تعریف جایگاه رئیس نیروهای دفاعی، قدرت غیررسمی فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد ارتش را به صورت رسمی در اختیار رئیس نیروهای دفاعی قرار می‌داد.

از سال ۱۹۴۷، ارتش پاکستان به‌ویژه نیروی زمینی، قدرتمندترین نهاد در این کشور به شمار می‌رفت. چهار کودتا و ده‌هاه دخالت آشکار و پنهان در امور نیز این نفوذ را تقویت کرده بود و به درستی از نگاه بسیاری از ناظران، فرمانده نیروی زمینی قدرتمندترین فرد در پاکستان شناخته می‌شد.

فرمانده فعلی نیروی زمینی و رئیس ستاد ارتش پاکستان یعنی ژنرال عاصم منیر در نوامبر ۲۰۲۲ به این سمت منصوب شد. او در مه ۲۰۲۵ در ست ۱۰ روز بعد از پایان جنگ ۴ روزه اخیر میان پاکستان و هند به جایگاه فیلدمارشالی ارتقایافت و به اولین ژنرال ۵ ستاره ارتش پاکستان پس از ژنرال ایوب‌خان که در سال ۱۹۵۹ به این درجه دست یافته بود، تبدیل شد.

از آنجایی که قانون اساسی نمی‌تواند برای اشخاص حقیقی مصونیتی قائل شود، در الحاقیه بیست‌وهفتم آمده است که ژنرال‌های پنج‌ستاره از مصونیت مادام‌العمر از پیگرد قضایی و بازداشت برخوردار هستند. این الحاقیه همچنین به ژنرال‌های ۵ ستاره اجازه می‌دهد که تا پایان عمر «موقعیت و امتیازاتی را که در یافت کرده‌اند، حفظ کنند.»

در حال حاضر به جز عاصم منیر، هیچ ژنرال ۵ ستاره دیگری در ارتش پاکستان وجود ندارد.

اصلاحیه پیشنه‌های همچنین پست «فرمانده فرماندهی استراتژیک ملی» (NSC) را ایجاد می‌کند که از جمله وظایف آن، مسئولیت فرماندهی هسته‌ای کشور است. فرمانده این فرماندهی نیز انحصاراً از نیروی زمینی و با مشورت رئیس نیروهای دفاعی (CDF) منصوب خواهد شد.

بر اساس قانون اساسی فعلی (اصل ۲۴۸)، رئیس‌جمهور یا فرمانداران ایالتی از مصونیت کیفری برخوردارند، اما این مصونیت تنها «در طول دوره تصدی» آن‌ها اعتبار دارد و پس از خروج از مقام، از چنین امتیازی برخوردار نیستند. ژنرال‌های ارتش در حال حاضر از چنین مصونیتی برخوردار نیستند. تا پیش از این اصلاحیه، عنوان «فیلد مارشال» (ژنرال

تحولات شبه‌قاره



منصور علی‌شاه، دومین قاضی ارشد دیوان عالی پاکستان نیز در نامه‌ای سرگشاده خطاب به یحیی آفریدی، ارشدترین قاضی این کشور به تندی از طرح تأسیس «دادگاه اساسی فدرال» (FCC) انتقاد کرد. او نوشت که این طرح نه یک «برنامه اصلاحات واقعی»، بلکه «ابزاری سیاسی برای تضعیف و جلوگیری از کارشناسان نوع حکومت در این کشور رانه یک دموکراسی که یک حاکمیت ترکیبی می‌دانند. نیویورک‌تایمز نوشت: «اصلاحات جدید، بار دیگر توازن را به نفع نظامیان بر هم زد.»

پنج‌ستاره) صرفاً تشریفاتی تلقی می‌شد و هیچ اختیاریا امتیاز اضافه‌ای به همراه نداشت. اما الحاقیه بیست‌وهفتم، این درجه را به عنوان یک جایگاه رسمی و به رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی، تثبیت و مدون کرد.

بر اساس اصلاحیه جدید، برکناری یک مقام پنج‌ستاره نیازمند رأی اکثریت دوسوم پارلمان خواهد بود؛ این در حالی است که برکناری نخست‌وزیر و سلب قدرت از یک دولت منتخب، با رای اکثریت ساده (نصف+۱) پارلمان امکان‌پذیر است.

روزنامه نیویورک‌تایمز در تحلیلی پیرامون این تغییرات نوشت: «پاکستان، کشوری مسلح به سلاح هسته‌ای با جمعیت حدود ۲۴۰ میلیون نفر، در تمام طول دهه‌های گذشته میدان زورآزمایی میان نظامیان و سیاستمداران بوده است. در این مدت، کودتاها و اعمال نفوذ نیروهای نظامی نقش مهمی در شکل‌گیری، موفقیت یا شکست دولت‌ها داشت.»

آخرین باری که یک فرمانده ارتش موفق شد از طریق کودتا قدرت را قبضه کند سال ۱۹۹۹ بود که پرویز مشرف، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش پاکستان طی یک کودتا به قدرت رسید و تا سال ۲۰۰۸ به‌عنوان رئیس‌جمهور در قدرت باقی ماند. از آن زمان به بعد، قوه مجریه در اختیار غیرنظامیان بود اما نفوذ و قدرت نظامیان در سیاست و اقتصاد به اندازه‌ای زیاد است که بسیاری از کارشناسان نوع حکومت در این کشور رانه یک دموکراسی که یک حاکمیت ترکیبی می‌دانند.

نیویورک‌تایمز نوشت: «اصلاحات جدید، بار دیگر توازن را به نفع نظامیان بر هم زد.»

► تضعیف جایگاه نهادهای قضایی در برابر دولت

بر اساس الحاقیه جدید قانون اساسی پاکستان، یک نهاد جدید تحت عنوان «دادگاه قانون اساسی فدرال» (FCC) تأسیس خواهد شد که وظیفه رسیدگی و فصل‌الخطاب بودن در مسائل قانون اساسی را برعهده دارد. اولین رئیس و قضات این دادگاه مستقیماً توسط رئیس‌جمهور منصوب خواهند شد.

این موضوع با واکنش شدید منتقدان روبه‌رو شده است. منیزه جهانگیر، خبرنگار و عضو کمیسیون حقوق بشر پاکستان، در گفت‌وگو با سرویس جهانی بی‌بی‌سی هشدار داد: «این اصلاحیه، شکل و ماهیت حق برخورداری از محاکمه عادلانه را برای همیشه تغییر می‌دهد.» او افزود: «نفوذ قوه مجریه نه تنها در انتصاب قضات، بلکه در تعیین ترکیب هیئت‌های رسیدگی‌کننده به پرونده‌های قانون اساسی نیز افزایش یافته است. وقتی دولت ترکیب این هیئت‌ها را دیکته می‌کند، من به عنوان یک طرف دعوا چه امیدی می‌توانم به دریافت یک محاکمه عادلانه داشته باشم؟»

عارفه نور، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی نیز نوشته است: «قوه قضائیه اکنون کاملاً مطیع قوه مجریه شده است. به نظر می‌رسد اجماع عمومی بر این است که دستگاه قضایی فعلاً

فضای مستقلی برای فعالیت نخواهد داشت.»

پیش از تصویب این اصلاحیه، دیوان عالی پاکستان مسئولیت رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره پرونده‌های قانون اساسی را بر عهده داشت. حامیان الحاقیه بیست‌وهفتم می‌گفتند این امر باعث تراکم پرونده‌های کیفری و مدنی می‌شد، زیرا وقت قضات صرف استدلال‌های قانون اساسی می‌شد؛ آن‌ها استدلال می‌کردند که تفکیک این دو حوزه، به تسهیل و تسریع روند قضایی کمک کرده است.

تنها ساعاتی پس از امضای این اصلاحیه و تبدیل آن به قانون، دو قاضی دیوان عالی استعفا دادند. قاضی اطهر مین‌الله در استعفانامه خود نوشت: «قانون اساسی‌ای که سوگند یاد کردم از آن پاسداری و دفاع کنم، دیگر وجود ندارد.»

منصور علی‌شاه، دومین قاضی ارشد دیوان عالی پاکستان نیز در نامه‌ای سرگشاده خطاب به یحیی آفریدی، ارشدترین قاضی این کشور به تندی از طرح تأسیس «دادگاه قانون اساسی فدرال» (FCC) انتقاد کرد. او نوشت که این طرح نه یک «برنامه اصلاحات واقعی»، بلکه «ابزاری سیاسی برای تضعیف و کنترل قوه قضائیه» است. منصور علی‌شاه با توصیف این اقدام به عنوان «دستکاری در فرآیند قضایی»، تأکید کرد که چنین دادگاهی هرگز نمی‌تواند مستقل باشد. او در بخشی از نامه خود هشدار داد: «تاریخ به سادگی از این شانه‌خالی کردن‌ها نخواهد گذشت؛ تاریخ این وقایع را به عنوان شکست رهبران در پاسداری از قانون اساسی ثبت خواهد کرد؛ لحظاتی که سکوت درون نهادهای پایه‌های همان بنایی را ویران کرد که وظیفه حفاظت از آن را بر عهده داشتند.» در مقابل، خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان، درباره این استعفاها گفت: «وجدان آن‌ها بیدار شده است، چراکه انحصارشان بر دیوان عالی محدود گشته و پارلمان تلاش کرده از حاکمیت قانون اساسی را تثبیت کند.»

یکی دیگر از تغییرات مهم این است که قضات اکنون می‌توانند بدون رضایت خود به دادگاه‌های مختلف منتقل شوند. اگر آن‌ها با انتقال مخالفت کنند، حق اعتراض به کمیسیون قضایی را دارند، اما اگر

